

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooon.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

اعتیاد به مواد مخدر

در جوامع مختلف

مقدمه

زندگی اجتماعی انسان تحت حاکمیت قواعد و هنجارهای اجتماعی است. اگر ما از قواعدی که انواع رفتار را در زمینه‌های معینی به عنوان رفتارهای مناسب و رفتارهای دیگری را به عنوان رفتارهای نامناسب تعریف می‌کنند، پیروی نمی‌کردیم، فعالیت‌هایمان دستخوش هرج و مرج می‌گردید.

از سوی دیگر زندگی اجتماعی انسان با پدیده‌های اجتماعی نمود می‌یابد. پدیده‌های اجتماعی در واقع واقعیت‌هایی هستند که جزء ذاتی زندگی اجتماعی بشر می‌باشند. حال اگر برخی از این پدیده‌ها در وضعیتی قرار گیرند که از سوی جامعه، منفی تلقی شوند، ممکن است که در حیات مطلوب اجتماعی اثر نامناسب گذارده و یا آن را تهدید نمایند. اما باید دانست که تلقی منفی از یک پدیده اجتماعی در همه جوامع یکسان نیست و شاید معدودی از این پدیده‌ها را بتوان یافت که وجود آنها در تمام یا اغلب جوامع همراه با تلقی منفی باشد. همچنین در یک جامعه خاص نیز تشخیص مثبت یا منفی بودن یک پدیده در میان گروه‌ها یا افراد مختلف، لزوماً یکسان نمی‌باشد. در این میان تلقی رهبران سیاسی جامعه، فراتر از یک تلقی فردی بوده و به مقدار زیادی در روند حیات جامعه تأثیر دارد.

اعتیاد به مواد مخدر یکی از مسائل مبتلا به امروز جهان است. پدیده‌ای است که بیش از پیش نسل امروز و فردا را تهدید به نابودی می‌کند و این امر تقریباً درد

جدیدی است، روزی نیست که سمینارها و کنفرانس‌هایی با شرکت عده‌ای صاحب نظران دنیا در زمینه‌های جرم‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و... تشکیل نگردد و در پی از بین بردن این درد بی‌درمان نباشند. ولی از آنجا که در فکر شناخت زمینه‌های اعتیاد بر نمی‌آیند غالباً طرق درمان پیشنهادی آنان نیز چاره درد نمی‌کند. این است که می‌بینیم هر روز بر تعداد معتادین چه در ایران و چه در جهان افزوده می‌گردد.

بیان مسئله

مصرف مواد مخدر همچون خشخاش، هروئین، تریاک، ماری‌جوانا و ... تا حدودی بهتر از دیگر انواع انحرافات نشان می‌دهد که تا چه حدی هر جامعه، برحسب زمان، مکان، جنس، سن، قوم، قبیله و طبقه مسائل جامعه‌وی را تعریف و ارزش‌گذاری می‌کند.

امروزه مصرف این مواد و امثال آن، آثار مخرب اعتیاد و قاچاق انواع مواد مخدر بر ساختار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع آسیب رسانده و نه تنها بصورت یک تهدید ملی بلکه فراتر از مرزهای ملی بصورت یک مسئله پیچیده جهانی در آمده که شعاع مضرات و اثرات زیانبار آن گریبان‌گیر کشورهای بی‌شماری شده است که شدت و وسعت این بحران که از گذشته‌های دور بر جامعه جهانی سایر افکنده برحدی که علاوه بر مسئولین کشورهای توجه بسیاری از صاحب‌نظران و کارشناسان مسائل علوم اجتماعی را نیز به

خود معطوف نموده و علی رغم رویکردهای جامع و تمهیدات اتخاذ شده در حل و کاهش این معضل در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی، هر روز عملاً شاهد وخامت بیشتر اوضاع و تشدید این مسئله مهم می‌باشیم.

اما اینکه چرا و چگونه اعتیاد بر مواد مخدر به عنوان مسأله تلقی می‌شود، بیشتر مربوط به نظر افراد و تجربه شخصی آنان است. چرا که در سالهای اخیر تعداد فزاینده‌ای از مدم عام شهرها طرز تلقی بامدار او اغماضی را پذیرفته‌اند و معتقد شده‌اند که این قوانین هستند که مواد مخدر را خطرناک جلوه می‌دهند و در نتیجه مسائل مربوطه را نیز پدید می‌آورند. با این وجود در جامعه ما بسیاری از مواد مسأله ساز تلقی می‌شوند زیرا که اغلب آنها، افراد را ناکار می‌سازند و توانائی آنان را برای ساماندهی امور خویش، اداره زندگی شخصی و خانوادگی دچار اختلال می‌کنند.

و این مسئله بدان علت است که با مصرف این مواد، فرد معتاد حرمت ارزش های اخلاقی و جرهنجارهای جامعه‌ی را پاس ندارند و در نتیجه قوانین را زیر پا گذارند و با پرخاش موجبات آزار دیگران را فراهم آورده و در نهایت دست بجرایم و جنایات آشکار یا پنهان مالی یا جانی بزنند.

اگر این واقعیت را بپذیریم که انسان موجودی است اجتماعی و ساخته پرداخته بنیادهای فرهنگی، اقتصادی و روابط و مناسبات اجتماعی جامعه‌ای که در آن پرورش یافته، پس ناچار باید این به این حقیقت که پدیده‌های ناهنجاری همچون،

دزدی، روسپیگری، اعتیاد و ... نیز ناشی از مناسبات و روابط حاکم در درون یک جامعه است. به این ترتیب مشخص می‌شود که اعتیاد نه یک بیماری شخصی، بلکه یک عارضه اجتماعی است. به عبارت دیگر باید در کنار مسائل تاریخی و سیاسی گرایش به اعتیاد - که البته از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است - به جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی آن نیز توجه کافی مبذول نمائیم و ساده‌انگاری مسئله را تنها در روابط با معتاد و خصوصیات شخصی و روانی آن ملاحظه کنیم. چرا که اعتیاد یک مشکل اجتماعی است و باید در عمق جامعه ریشه‌یابی شود.

معمولاً واکنش اجتماعی مردم در مورد مصرف مواد مخدر در طول قرون متفاوت بوده و متأسفانه باید به این حقیقت تلخ اعتراف نمود که اعتیاد را بیشتر یک مسئله شخصی و فردی می‌دانند نه اجتماعی و این در حالی است که اعتیاد یک مسئله اجتماعی است و نه شخصی. ما هنوز هم در دوره‌ای هستیم که تصویر یک «معتاد محکوم است»، «معتاد مظنون است» و ... در جامعه ما بدون اینکه بیان کرده باشند رواج دارد، تا شاید بتوان از شیوع آن جلوگیری کرد و اجرای قوانین را تشدید نمود اگر امروز، نسل جوان دیگر به شعارهای ضد اعتیاد اعتقادی ندارند بدین سبب است که انواع جدید از مواد و فرآورده‌های مخدر در اختیار آنان قرار می‌گیرد.

بنابراین مسئله گرایش جوانان به مواد مخدر از این نظر اهمیت دارد که پاره‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و فرهنگی، در زمینه‌های آماده فرد را به سمت اعتیاد سوق می‌دهند. به بیان دیگر «معتاد شدن» ارثی نیست بلکه مجموعه‌ای از شرایط فوق که دارای ریشه‌های متفاوتی هستند، زمینه ساز اعتیاد می‌شوند. در هیچ موردی کنش اعتیاد از نسل پیشین به نسل پسین به میراث نمی‌رسد، بلکه تنها گرایش بدان است که می‌تواند جنبه ارثی داشته باشد. بدینسان است که افراد تحت تأثیر انگیزه‌های جرم زای جامعه در معرض جرم قرار می‌گیرند.

در نتیجه از آنجا که شخصیت فرد معتاد محصول کارکردهای زیستی - جامعه‌ای است. اهمیت طرح و پرداختن به این مسئله که چرا جوانان به سمت اعتیاد کشیده می‌شوند و نقش عوامل اقتصادی و اجتماعی در این میان به روشنی هویدا می‌شود.

دیدگاه‌های نظری دقیق

جامعه شناسان برای فهم عمل انحرافات به عوامل اجتماعی و فرهنگی شکل دهنده رفتار انسان توجه دارند و در تبیینهای جامعه شناختی خود بر ساخت اجتماعی الگوهای کنش متقابل فرد و دیگر اعضاء جامعه تکیه کرده، بر موارد زیر اشاره می‌کنند:

(۱) جامعه پذیری ناقص

بر اساس این نظر اگر فردی به درستی اجتماعی نشده باشد، هنجارهای فرهنگی را در شخصیت خود عجين نمی‌سازد و به همین سبب نمی‌تواند میان رفتار شایسته و ناشایسته تمایز بگذارد.

(۲) انحراف آموختنی است:

جامعه شناسان معتقدند که بسیاری از رفتارهای انحرافی، اکتسابی و قابل انتقال از شخص به شخص دیگری است.

(۳) نارسائیهای فرهنگی و ساختار اجتماعی:

هر جامعه نه تنها هدفهای پذیرفته شده فرهنگی دارد، بلکه وسایل پذیرفته شده را نیز برای نیل به این هدفها در اختیار دارد. هرگاه به عللی این وسایل در اختیار فرد گذاشته نشود احتمال می‌رود، منحرف گردد.

مهمترین نظریات انحرافات

۱- نظریه بی‌هنجاری

بی‌هنجاری حاصل وضعیت آشفتگی است که هنجارها از بین رفته و یا در تضاد قرار گرفته‌اند. جوامعی که در آنها بی‌هنجاری به شکل وسیع وجود داشته باشد، از آنجایی که اعضای آن جامعه برای رسیدن به مقاصد مشترک، خطوط راهنما در اختیار ندارند و احساس جدایی و بی‌جهتی می‌کنند، در خط تلاش قرار می‌گیرند.

هنگامی که فرد دچار حالت «آنومیک» می‌شود، وابستگی و احساس تعلق خود را به گروه از دست می‌دهد، هنجارهای گروهی را بعنوان سرمشق نمی‌پذیرد و از آنها می‌گریزد و برای مدتی در بی‌هنجاری یا دقیق‌تر در کم‌هنجاری و یا کژهنجاری به سر می‌برد. زیرا هنجار مطلوبی نمی‌یابد تا جایگزین هنجارهای پیشین سازد.

برای اطمینان، البته تمام هنجارها را از دست نمی‌دهد ولی خودش را کنار می‌کشد و کمتر خود را با دیگران هم‌نوا و هم‌سان می‌یابد. (شیخاوندی، ۱۳).

جامعه‌شناسی به نام «م. مک آیور» آنومی را بدینسان تعریف کرده است: «آنومی عبارت از حالت ذهنی کسی است که به اخلاقیات حاکم و خاستگاه آن پشت پازده، دیگر اقتصادی به جمع جامعه خویش ندارد و خود را مجبور به تبعیت و پیروی از آنها نمی‌بیند. انسان آنومیک، از نظر ذهنی کنترل می‌شود و به تمایلات خود می‌پردازد و مسئولیت هیچ چیز و هیچ کس را نمی‌پذیرد. (شیخاوندی، ۱۳).

۲- نظریه تضاد:

نظریه تضاد نیز مانند نظریه انحراف بر عواقب شخصی و اجتماعی و تمرکز ثروت و قدرت در دست عده‌ای معدود تکیه می‌کند. نقطه عطف عمده این نظریه آن است که گروه‌های قدرتمند جامعه علایق مشترک اقتصادی و سیاسی دارند و اکثر برگزیدگان قدرت، از قدرت سیاسی خود برای تدوین و اجرای معیارهای

قانونی حامی منابع خود استفاده یا در واقع سوء استفاده می‌کنند. طرفداران این نظریه تا حدی تبیین‌های متفاوتی را درباره چرایی بروز موقعیت مورد بحث در جوامع جدید عنوان می‌کنند.

۳- نظریه پیوند افتراقی

نظریه «اروین ساترلند» تحت عنوان پیوند براین نکته دلالت دارد که فرایند یادگیری رفتار مجرمانه بوسیله دوستان فرد مجرم تعیین می‌شود. چهار گام زیر فرایند نظریه پیوند افتراق را به اختصار نشان می‌دهد:

۱- رفتار تبهارانه:

مانند دیگر رفتارهای معمولی در اثر کنش متقابل با دیگران، بویژه گروه دوستان آموخته می‌شود.

۲- فراگیری رفتار مجرمانه:

که مستلزم یادگیری تکنیک‌های ارتکاب جرم و انگیزه‌ها و گرایش‌های مناسب برای بزهکاری است.

۳- انسان بدان سبب مجرم می‌شود که فراوانی امکانات قانون شکنی بر محدودیتهای نامساعد آن بچربد. از این رو اگر ارزشهای یک نفر و ارزشهای افرادی که بر او تأثیر شدید دارند، به جای حمایت کنند، احتمالاً آن شخص مجرم خواهد شد.

۴- پیوندهای تبهکارانه یک شخص می‌تواند از جنبه‌های خاص همچون فراوانی، طول مدت و شدت این تماس‌ها متفاوت باشد و در تعیین تأثیر این پیوندها بر شخص به ما کمک کند.

نظریه پیوند افتراقی را می‌توان به انواع متحده جرم و بزهکاری نسبت داد. مثلاً برخی از شواهد تبیین آن است که عده‌ای از جوانان شهری ممکن است برای نشان دادن صفات کله شرقی و جرأت حادثه جویی که برای آنان بسیار ارزشمند است به محذر روی بیاورند ظاهراً صرف هروئین یک جوان را در چشم همگانش کسی می‌سازد. (فلدمن، ۱۹۶۸) از این رو شخص با موقعیت مساعدی برای استفاده بیشتر از مواد مخدر روبرو می‌شود.

۴- نظریه برچسب (انگ زنی)

این تئوری را گاهی نگرش (رویگرد) واکنش جامعه‌ی به انحرافات نیز می‌نامند. تئوری انگ زنی با تأکید روی مسأله کلیدی مربوط به نحوه‌ی تکوین حرف انحرافی درباره ریشه‌ها و خاستگاه انحراف اولیه و تفاوت نرخ انحراف برحسب گروه‌ها مسکوت است. با این وجود این نظریه، نوعی کنش متقابل نمادین است و چون در محدوده سنت نظری قرار می‌گیرد، عمدتاً از طرفی چشم انداز آن با کنش متقابل بین منحرفان و سازشکاران سرو کار پیدا می‌کند و از سوی دیگر با مفاهیمی که اعضای سازمان یا گروه از اعمال و یا عکس‌العمل‌های دیگران می‌گیرند سرو کار دارد. این نظریه تأکید می‌کند که نفس رفتار، منحرفان را از

غیر منحرفان متمایز می‌سازد، بلکه اعمال اعضای سازشکار جامعه است که این تمایز را فراهم می‌سازد. این اعضا برخی از رفتارهای انحرافی را تفسیر کرده، برچسب انحرافی را به افراد نسبت می‌دهد.

برچسب خوردگان، جنایتکاران، بزهکاران، معتادان به مواد مخدر، الکلیست‌ها، روسپیان و بیماران روانی را شامل می‌شود.

۵- نظریه ناهماهنگی

از دیدگاه نظریه ناهماهنگی، در سازمان اجتماعی وجود گسترده اعتیاد در برخی نقاط جامعه ناشی از مشخصات سازمان اجتماعی است. مصرف این مواد در برخی از بخشهای جامعه تشویق می‌شود و امکان دسترسی به آن فراهم است.

طرفداران این نظریه در این حالت جامعه را ناهماهنگ می‌دانند زیرا بخشی از مردم قادر به درک و جذب هدفهای جامعه نیستند و یا نمی‌توانند با وصول به هدفهای مطلوب اجتماعی احساس رضایت و کفایت کنند در نتیجه به الکل و سایر مواد مخدر روی می‌آورند تا رضایتی که نتوانسته‌اند در رابطه به هدفهای جامعه کسب کنند از طریق دیگر بدست آورند. طرفداران این نظریه از جهات دیگری نیز جامعه را ناهماهنگ می‌دانند. در این حالت هنجارهای غالب اجتماعی مربوط به منع مواد مخدر قادر به تنظیم و نظارت بر مصرف این مواد نیست و از قدرت و نفوذ هنجارهای اجتماعی که مانع مصرف مواد مخدر هستند، نظیر

سایر هنجارها به هنگام تغییرات اجتماعی کاسته می‌شود. از سوی دیگر طرفداران نظریه ناهماهنگی معتقدند که اگر جامعه قادر به جلوگیری از مصرف این مواد با تهیه و توزیع آن نباشد، دچار ناهماهنگی می‌شود.

۶- نظریه انحراف از هنجارها

این نظریه مصرف مواد مخدر را انحراف از هنجارهای جامعه می‌داند. در اذهان مردم عادی، مصرف کننده این مواد کسی است که احساس مسئولیت نمی‌کند و به چیزی حزن ارضای اعتیاد در خود نمی‌اندیشد و همسالان یا افراد بدخواه باعث انحراف او شده‌اند. مجریان قانون بیشترین نظر را دارند که اعتیاد مانند امراض مسری است که از افراد معتاد به دیگران سرایت می‌کند. جامعه شناسان این نظر را نسبتاً خام می‌دانند و می‌گویند معتاد کسی است که هنجارهای غالب جامعه را نپذیرفته و درک نکرده است و همانطور که «مرتون» می‌گوید، هنجارهای غالب را طرد کرده است.

علل اعتیاد از نظر فریمان و اسکات

فریمان و اسکات معتقد هستند که هر چه درباره صفات شخصیتی معتادان مطالعه کنیم به ریشه یا علت اعتیاد نزدیک خواهیم شد. بیشتر تحقیقات امروزه متوجه راهایی است که شخص با این مواد آشنا می‌شود و کشف طرقی است که به اعتیاد می‌انجامد. آنها می‌گویند برخلاف نظر همگانی شخص از طریق تماس یا فرستنده مواد، معتاد نمی‌شود، بلکه از طریق گروه‌های غیر رسمی

نظیر میمانیها، از طریق همسالات و نیز ارتباط با کسانی که در رابطه مستقیم با این مواد هستند.

علل اعتیاد از نظر «فایت استون»

وی از دسته دیگری از معتادان سخن می گوید که به دلیل ارضای جسمی آن را انتخاب می کنند و به مراحل مختلف اعتیاد اشاره می کند:

دسته اول کسانی هستند که فقط در جستجوی کمی لذت و یا نشاط آن را مصرف می کنند و در آغاز دچار عکس العمل بدنی ناشی از قطع مواد نمی شوند.

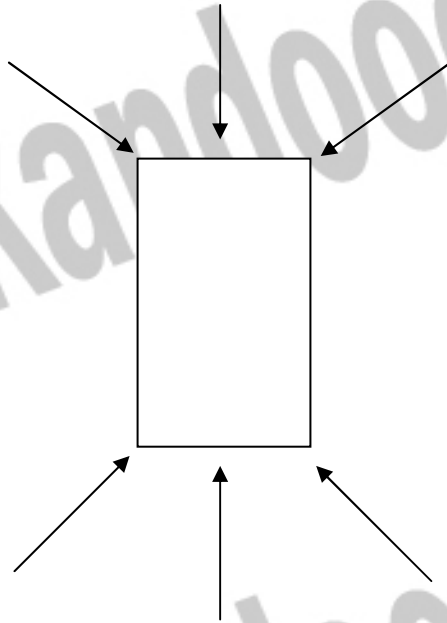
دسته دوم کسانی هستند که بدلیل آزردهی خاطر آنقدر مواد مصرف می کنند که رنج و ناراحتی خود را فراموش کنند، اما هنوز به صورت مصرف کننده منظم در نیامده اند.

دسته سوم کسانی هستند که بطور منظم مواد را مصرف می کنند و آنقدر مواد ذخیره می کنند که در صورت قطع ارتباط با فروشنده خیالشان آسوده باشد و

معمولاً از منابع مختلف مواد را تهیه می کنند. این دسته، مصرف کننده دائمی هستند و سلامت آنها شدیداً لطمه خورده و قادر به انجام وظایف شغلی خود

نیستند و پس از مدتی شغل خود را از دست می دهند.

چارچوب تئوریک تحقیق



دیاگرام علی تحقیق

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Filename: Document1
Directory:
Template: C:\Documents and Settings\hadi tahaghoghi\Application
Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm
Title:
Subject:
Author: H.H
Keywords:
Comments:
Creation Date: 4/11/2012 8:35:00 PM
Change Number: 1
Last Saved On:
Last Saved By: H.H
Total Editing Time: 0 Minutes
Last Printed On: 4/11/2012 8:35:00 PM
As of Last Complete Printing
Number of Pages: 14
Number of Words: 1,858 (approx.)
Number of Characters: 10,597 (approx.)